



واژه‌های ویژه صید و صیادی و انواع ماهیان در گویش بلوچی نواحی ساحلی مکران

عبدالغفور جهان‌دیده (عضو هیئت علمی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار)

۱. مقدمه

۱.۱. جغرافیا

مکران^۱ سرزمینی است واقع در ضلع جنوب شرقی فلات ایران که مرزهای آن از حدود سیند در پاکستان تا کرمان امتداد دارد، این سرزمین در ایران شامل نواحی مرکزی و جنوبی بلوچستان و غرب استان هرمزگان است، دریایی که در بخش جنوبی این ناحیه قرار دارد در نقشه‌های جغرافیایی به نام دریای عمان و به اعتبار هم‌جواری با این ناحیه، دریای مکران نیز نامیده می‌شود.

بخش بزرگی از مردم مکران در نواحی ساحلی، به کار صید و تجارت ماهی می‌پردازند، مردم بومی این سرزمین شغل ماهیگیری را از پدران و نیاکان خود به ارث برده‌اند، به‌گونه‌ای که در گذشته، تقریباً، زندگی همهٔ مردمان بومی شهرهای ساحلی

(۱) واژه «مکران» دارای چند تلفظ متفاوت است، بومیان منطقه آن را /makkorān/ تلفظ می‌کنند، و در متون فارسی با صورت‌های تلفظی /mokrān/، /makrān/ و /makorān/ آمده است.

مکران با دریا و ماهی مرتبط بود و ماهی و دریا نقش بسیار بزرگی را در اقتصاد و تغذیه و زندگی آنان ایفا می‌کرد.

ارتباط تنگاتنگ ماهی با زندگی مردم مکران سبب شده که حتی برخی این منطقه را سرزمین ماهی‌خوران بنامند و یونانیان از آن با عنوان ایکتیوفاجی^۱ «ماهی‌خوران» یاد کنند. با توجه به نقشی که دریا و ماهی در زندگی روزمره مردم مکران داشته و دارد، طبیعی است که واژه‌ها و اصطلاحات گوناگون و زیادی در این رابطه به کار گرفته شود. این پژوهش در واقع گردآوری لغات و اصطلاحاتی است که درباره ماهی، صید ماهی و انواع ماهیان به گویش مکرانی بلوچی است. همچنین در این پژوهش به ذکر معنی و معادل فارسی و توضیح مختصر ادوات صید و صیادی پرداخته‌ایم، به دلیل محدود بودن صفحات مقاله، از توضیحات بیشتر و از ذکر موجودات و وسایل دریایی دیگر صرف نظر کرده‌ایم.

۲.۱. زبان مردم مکران

بومیان مردم مکران به بلوچی و گویش مکرانی سخن می‌گویند، این گویش از میان گویش‌های بلوچی، رایج‌ترین است و به نوعی معیار به‌شمار می‌آید و خود دارای لهجه‌های گوناگونی است، مردم چابهار و کُنارک، به گویش مکرانی ساحلی تکلم می‌کنند، حوزه تکلم این گویش برخی از مناطق ساحلی مکران شرقی در بلوچستان پاکستان را نیز در برمی‌گیرد.

۳.۱. محدوده پژوهش

این پژوهش میدانی در شهرستان‌های ساحلی چابهار و کُنارک صورت گرفته، اما لغات و اصطلاحات آن، تقریباً، مشابه یا نزدیک به واژه‌های شهرهای ساحلی مکران شرقی در پاکستان است.

(۱) سایکس در سفرنامه خود می‌نویسد: «در ایام اسکندر کبیر، مکران را به واسطه قرب جوار دریا، ایکتیوفاجی یا ماهی‌خوران و ناحیه

مشرف به داخله کشور را گدروسیا می‌نامیدند» (سایکس ۱۳۶۳: ۱۲۴).

۴.۱. شیوه پژوهش

نگارنده که خود بلوچ‌زبان و ساکن شهر چابهار است به شیوه پژوهش میدانی عمل کرده است، بدین ترتیب که ابتدا لغات و اصطلاحات را از ناخدایان و دریانوردان باتجربه بومی یکی یکی پرسیده و یادداشت کرده و در ضمن بیشتر اشیاء و وسایل مربوط به صید و صیادی و ماهیان مورد نظر را نیز بعینه دیده و پس از یادداشت برداری برای نوشتن معادل فارسی ماهیان، به چند کتاب مرجع درباره ماهیان مراجعه کرده است. نام این آثار در فهرست منابع آمده است. البته نام و مشخصات و شکل برخی از ماهیان در کتاب‌های مورد مطالعه نبود و در این مقاله برای آنها معادل فارسی ذکر نشده و به جای آن شکل و وزن ظاهری آنها را نوشته‌ایم.

نگارنده در پژوهش واژه‌ها و اصطلاحات، در محدوده پژوهشی خود، به گوناگونی تلفظ آنها نیز نظر داشته و سعی کرده که همه تلفظ‌ها را ذکر کند، و نیز در مواردی که یک شیء یا ماهی در هر روستا و شهری نام ویژه خود را داشته، کوشیده که همه آنها را ثبت کند.

۵.۱. وجه تسمیه نام‌های ماهیان و اصطلاحات صید و صیادی

بیشتر واژه‌های مربوط به صید و صیادی و نام‌های ماهیان در مناطق ساحلی مکران، ایرانی و بلوچی است و واژگان بیگانه کمتر توانسته در آنها نفوذ کند، همچنین بسیاری از آنها تلفظ کهن خود را حفظ کرده‌اند.

بسیاری از نام‌های ماهیان برگرفته از نام حیوانات خشکی است، مانند گور /gōr/ «گورخر»، هر /har/ «خر»، کاتل /kātel/ «قاطر»، گرگ /gork/ «گرگ»، پشک /peššek/ «گره»، پُگُل /pogol/ «قورباغه»، مُشکو /moškū/ «موش»، کروس /krōs/ «خروس»، هلور /halōr/ «عقاب»، کُچک /kočak/ «سگ»، آسپ /asp/ «اسب»، هُشتر /hošter/ «شتر»، سارم /sārm/ «سار»، مدگ /madag/ «ملخ» و ...

نام برخی دیگر از ماهیان برگرفته از رنگ آنهاست، مانند: سُهرو /sohrū/ «سرخ»، سیاه‌گوش /syāh-gōš/ «سیاه‌گوش»، زرددُمب /zard-domb/ «زرددُم».

نام برخی از ماهیان برگرفته از شکل ظاهری آنان است که شبیه اشیاء دیگر هستند. مانند: چراغ /čerāg/ «چراغ»، این ماهی در آب مانند چراغ می‌درخشد، سواس /sawās/ سواس نوعی کفش محلی و پهن است که از الیاف نخل وحشی می‌بافند، گوک‌دُمب /gōk-domb/ «دُم گاو»، داردُمب /dār-domb/ «دُم چوبی»، لُتی /loŋt-i/ «دارای لب بزرگ»، بانزُلُی /bānzoli/ «بال‌دار، دارای باله‌های بزرگ»، گُمپو /kompū/ «گوژپشت» نام‌های بعضی از آنها اسطوره‌ای و افسانه‌ای هستند، مانند: سلیمانی /solaymāni/ می‌گویند که این ماهی انگشتر حضرت سلیمان را بلعیده است، پَری /pari/ «پری؛ فرشته».

۶.۱. راهنمای تلفظ واژه‌ها

واژه‌های بلوچی به دو خط فارسی و آوانگاری نوشته شده‌اند، اما در بلوچی شش واج وجود دارد که در فارسی امروز، معادلی ندارند؛ بنابراین، این واج‌ها در خط فارسی نمایان نیستند. این واج‌ها عبارتند از: سه واج برگشته که ما برای آنها سه علامت از رسم‌الخط آوانگاری را برگزیده‌ایم و سه واج دیگر که در فارسی متقدم وجود داشته و امروزه در فارسی نو وجود ندارند. (۱) واج برگشته، لثوی و بی‌واک ت /t/ که تلفظ آن با واج /t/ تفاوت دارد؛ (۲) واج برگشته، لثوی واکدار د /d/ که تلفظ آن با واج /d/ متفاوت است؛ (۳) واج برگشته، کامی بی‌واک /t̪/ که تلفظ آن با واج /t/ فرق می‌کند؛ (۴) واو مجهول /ō/؛ (۵) یای مجهول /ē/؛ (۶) واج دولبی /w/.

۲. واژه‌های عام مربوط به ماهیان و صید ماهی

بَشکال /beškāl/: صاف بودن آب دریا را می‌گویند. در این هنگام ماهی به‌آسانی تور یا قلاب را می‌بیند و می‌گریزد.

بَکّار /bakkār/: انبار ادوات صید و صیادی در خشکی.

بوجیگ /bōjig/: لنج.

پَشک /pešsek/: کوسه‌ماهی

توشوک /tūššök/: دُلَین.

تِیَاب /tayāb/: ساحل

تِیابی ماهیگ /tayābi-māhig/: ماهی‌ای که در آب‌های ساحلی و کم‌عمق زندگی می‌کند.

جانشو /jānšū/: جاشو.

ریچگ /rēčag/: ریختن، اصطلاحاً انداختن تور در دریا برای صید ماهی.

زِر /zer/: دریا به‌ویژه قسمت عمیق آن.

زِرِی ماهیگ /zeri-māhig/: ماهی‌ای که در آب‌های عمیق دریا و دور از ساحل زندگی می‌کند.

سَمَچ /sammāč/: نوعی لنج ویژه صید ماهی.

کِرکته /kerkaṭa/: شاه‌میگو.

کند /kaṅd/: جایگاه نگهداری تور در لنج یا قایق که در سه بخش از آن قرار دارد:

گُورکند /gwar-kaṅd/ در بخش جلو، توک‌کند /tök-kaṅd/ در وسط و دیم‌کند /dim-

kaṅd/ در عقب شناور.

کُندیگ /koṅdig/: قُلاب.

کوهی ماهیگ /kōhi-māhig/: ماهی‌ای که در سواحل صخره‌ای زندگی می‌کند.

گالیت /gālēt/: نوعی لنج صیادی.

گُلُر /gollor/: بچه کوسه.

گوکین /gökēn/: نوعی دُلفین که صدایی شبیه صدای گاو دارد، می‌گویند می‌تواند روی آب بایستد.

لانچ /lānč/: لنج.

ماهوری /māhōri/: صیدی که با تور صید کرده‌اند.

ماهیگ /māhig/: ماهی.

ماهیگ چُک /māhig-čokk/: بچه‌ماهی.

ماهیگ کُش /māhig-koš/: قایق یا لنج مخصوص صید ماهی.

ماهیگ کُشگ /māhig-košag/: صید ماهی.

مید /mēd/: ماهیگیر.

نَنگَر /naŋgar/: لنگر.

نَهیگ /nahig/: کُندیگ.

هشاش /hašāš/: نوعی قایق صیادی ساحلی که در قدیم از شاخه‌های بلند نخل درست می‌کردند.

یک‌دار /yaktār/: قایق.

۳. روش‌های صید ماهی

آرنگه /ārēnga/: (۱) تعداد زیاد ماهی که در یک جا از آب دریا باشند، گلّه ماهی؛ (۲) صید ماهی به صورت گلّه‌ای.

برام /barām/: گونه‌ای از صید با قلاب؛ در این شیوه نخ قلاب را بر پشت قایق می‌بندند و قایق را به سرعت می‌رانند، طعمه‌ای مصنوعی از جنس پلاستیک یا پارچه، به شکل ماهی درست می‌کنند و بر قلاب می‌بندند. این نوع صید بیشتر برای صید ماهی‌هایی مانند شیر و هوور به کار می‌رود.

پادُکی‌ریک /pādoki-rēk/: در این گونه صید، صیاد بدون استفاده از قایق، از ساحل به درون آب رفته و تور را انداخته و در دو نوبت صبح و بعدازظهر به آن سر می‌زدند.
پنجِرَو /penjeraw/: نوعی قفس یا تله برای شکار ماهی که در آب می‌گذارند، گرگور.
تَندکُنْدی /taŋd-koŋḍi/: گونه‌ای از صید با قلاب؛ در این شیوه بر یک نخ چند قلاب می‌بندند و آن را در آب می‌اندازند و بر جایگاه آن علامتی می‌گذارند، اینگونه صید زمان‌بر است.

چیراپ /čērāp/: در این شیوه تورهای ماهیگیری در زیر آب قرار می‌گیرند.

چیردان /čirdān/: ماهیگیری با قلاب.

چیردانی /čirdāni/: صیدی که با قلاب صید شده است.

دَرَنگی‌چیردان /draŋgi-čirdān/: صید ماهی با قلاب از بالای صخره‌های ساحل که بیشتر جنبه تفریحی دارد.

رُگ /rog/: نوعی از صید که تور ماهیگیری را در آب می‌اندازند و تور را به قایق وصل می‌کنند و تور و قایق تا صبح در دریاست.

سَرآپ /sar-āp/: در این روش کناره بالایی تورهای ماهیگیری بر روی آب قرار می‌گیرد. شپریچ /šap-rēč/: روشی از صید که تورهای ماهیگیری را در هنگام شب در آب می‌اندازند.

کپس /kaps/: ← پنجرُو.

گِرّ /gerr/: در این نوع صید، تور را به عقب کشتی می‌بندند و آن را با نیروی کشتی می‌کشند تا هرچه در مسیر باشد صید کند، صید ترال.

گورچیراپ /gwar-čērāp/: در این روش صید که تلفیقی از چیراپ و سراپ است، تور نه در پایین آب و نه کاملاً بالای آن قرار دارد.

لانچی /lānči/: صیدی که با لنج و دام انجام می‌گیرد.

واد /wāq/: در این روش گله ماهی را محاصره می‌کنند و تور را دورتادور آن می‌اندازند.

۴. دوره‌های صید ماهی در طول یک سال

ایرات / ایرهت /ērāt/ ēraht/: آغاز صید ماهی، پس از تعطیلی صید به علت توفان‌های شدید دریایی، که معمولاً در شهریور شروع می‌شود و تا سه ماه ادامه دارد.

سمآکی /sammāki/: این دوره در مهرماه قرار دارد.

زمستان /zemestān/: دوره دوم صید که پس از ایرات است و در پاییز قرار دارد.

هنگام /haṅgām/: ← زمستان.

سپیان /saypān/: دوره سوم صید که در اواخر زمستان آغاز و تا سه ماه ادامه دارد.

گوانک /gwāṅk/: دوره چهارم صید که یک ماه است و پس از سپیان قرار دارد.

کِرکش /ker-koš/: موسم شکار میش‌ماهی که برابر با گوانک است.

آکر /āker/: دوره‌ای که ۴۰ روز تا دومه است؛ در این هنگام دریا توفانی است و ماهیگیران به جاهای دور از ساحل نمی‌روند و عملاً صیدی انجام نمی‌گیرد، این دوره، تیرماه و نیمه اول مرداد را شامل می‌شود.

۵. انواع تور ماهیگیری

اگوری /agōri/: با این تور ماهیِ هوور شکار می‌کنند.
پاڈکی /pādoki/: نوعی تور با چشمه‌های ریز؛ آن را در ساحل و بدون استفاده از قایق به آب می‌اندازند.

پارو /pārū/: نوعی تور ریزچشم که هر نوع ماهی را با آن صید می‌کنند.
چیراپی /čērāpi/: توری که هنگام صید در زیر آب قرار می‌گیرد.
دربند /dar-band/: توری است ویژه شکار ماهی‌هایی مانند شیرماهی؛ چشمه‌های این تور نسبت به تور پاڈکی بزرگ‌تر است.

رچ /rač/: نوعی تور ماهیگیری با نخ‌های باریک و چشمه‌های کوچک که با آن ماهی کُده شکار می‌کنند.

رُگ /rog/: توری گرد که با انداختن آن در آب از هم باز می‌شود.

ریک /rēk/: تور ماهیگیری.

سرابی /sarāpi/: توری که هنگام صید کناره بالایی آن بر روی آب قرار می‌گیرد.

شپرچی /šap-rēči/: توری که یک سر آن به قایق وصل است و تور و قایق از اول شب تا صبح در دریا شناور هستند.

کارو /kārāw/: تور مخصوص صید ماهی به صورت محاصره‌ای.

کری /keri/: این تور ویژه شکارِ میش ماهی است.

گوانکی /gwānki/: تور ویژه شکارِ میش ماهی که چشمه‌های بزرگی دارد.

گورچیراپ /gwar-čērāp/: نوعی تور زیرآبی که با طنابی به شناور می‌بندند.

لندوری /lanđōri/: نوعی تور که بند یا طنابی که شناورها به آن وصل هستند تا یک متر از بدنه اصلی تور فاصله دارد و این سبب می‌شود تا تور در آب به اندازه یک متر پایین‌تر قرار گیرد.

ماهور /māhōr/: تور ماهیگیری.

مُشکویی /moškōi/: با این تور ماهیِ شوریده شکار می‌کنند.

هرسی /harsi/: نوعی تور ماهیگیری با چشمه‌های بزرگ که ویژه صید کوسه است.

۶. اجزای تور

ایتار /ēṭār/: ← پیلم.

بلّ /bell/: ← ولّ.

بوبر /bōbar/: شناوه که در فاصله‌های مشخص بر کناره بالایی تور وصل است و تور را از فرورفتن در آب نگه می‌دارد. شناوه امروزه از جنس کائوچو است اما در گذشته از چوب یا الیاف گیاهان بود.

بوچّ /būčč/: شناوه کائوچویی.

بوچ بند /būč-baṅd/: طنابی که شناوه کائوچویی را به تور لندوری وصل می‌کند.

پاد /pād/: طناب کناره پایینی تور.

پیلم /pēlom/: طناب کناره بالایی تور.

چمگ /čammag/: سوراخ‌ها و چشمه‌های تور.

دپ دانک /dap-dāṅk/: ← سَریک ننگر.

دپ ننگر /dap-naṅgar/: ← سَریک ننگر.

رابز /rābz/: طنابی که لنگر و تور را به یکدیگر وصل می‌کند.

رامتو /rāmṭō/: ← رانتو.

رانتو /rāṅṭō/: علامت و نشان تور در دریا که پرچمی کوچک یا چیزی مانند آن است.

ساجرّم /sāčerm/: نخ‌ی که برای ترمیم تور پاره‌شده از آن استفاده می‌کنند.

ساجگ /sāčag/: تعمیرکردن تور پاره‌شده.

سَریک ننگر /serik-naṅgar/: گوشه لنگر تور.

کَلَمپوگ /kalampōg/: ته شاخه درخت خرما که خشک‌شده آن سبک است و در گذشته به جای شناوه از آن استفاده می‌کردند.

کَنال /kannāl/: وزنه‌ای که به کناره پایینی تور وصل است و تور را در پایین آب نگه می‌دارد، این وزنه می‌تواند از سرب، سنگ یا بُتن باشد.

کَنال بند /kannāl-baṅd/: طنابی که کَنال را به تور وصل کند.

کوسِچ /kōsēč/: کدو، در گذشته از کدوی خشک به‌جای شناوه استفاده می‌کردند.

مَتَّار /mattār/: ← پاد.

نَنگَر /naŋgar/: لنگر تور ماهیگیری که آن را نگه می‌دارد، برخی از تورها یک یا چندین عدد از این لنگرها دارند.

وَلّ /wall/: وسط تور که بین پاد و پیلم است.

۷. تور رُگ و اجزای آن

بَارَا /bārrā/: طناب‌هایی که مهار حلقه رُگ را به پاد وصل می‌کنند و به‌وسیله آنها تور را جمع یا باز می‌کنند.

پاد /pād/: طنابی که به پایین رُگ وصل است و در فاصله چند سانتی آن قطعه‌های کوچک سُرَبی تعبیه شده‌اند.

رُگ /rog/: توری گرد که با انداختن آن در آب از هم باز می‌شود و بر چند نوع است: (۱)

هَسْت /hast/: توری با چشمه‌های کوچک و ریز؛ (۲) گُشاد /gošād/: چشمه‌های این تور

گُشادتر است؛ (۳) لوجری /lūjjari/: با این تور ماهی ساردین شکار می‌کنند؛ (۴)

بی‌پُت /bē-pot/: با این تور ماهیان کوچک و ریز را جهت طعمه شکار می‌کنند.

رُگ پیچ /rog-pēč/: با مهارت پیچیدن و جمع کردن تور رُگ.

گَرَو /garaw/: حلقه چوبی بالای تور.

گوازگ /gwāzag/: انداختن ماهرانه تور رُگ در آب به‌گونه‌ای که از هرسو کاملاً باز شود.

مَهار /mahār/: طنابی که به حلقه چوبی بالای رُگ وصل است.

۸. اندام‌های ماهی

بال /bāl/: باله.

بانزُل /bānzol/: باله.

پُچک /počak/: ← کوچک.

پُچَل /počal/: ← کوچک.

پَرِچِک /parričk/: باله.

پوتو /pūṭā/: کیسه‌شنای برخی از ماهیان دریایی، به‌ویژه میش‌ماهی.

پوتویگ /pūṭūwig/: ← پوتو.

توپو /tūpū/: ← پوتو.

دَب /dap/: دهان.

دل‌چیر /del-čēr/: ← دل‌گور.

دل‌گور /del-gwar/: جلوی سینه‌ماهی.

دُمب /domb/: دُم؛ باله پُشتی.

روت /rōt/: روده.

ریشگ /rišg/: پرزهای آبشش‌ماهی.

زهرگ /zahrag/: زهره، کیسه صغرا.

زیهار /zihār/: یک یا دو خاری که در قسمت جلوی باله پُشتی برخی از ماهی‌ها وجود دارد.

کَلَب /kalap/: بخش استخوانی گلو یا آبشش‌ماهی که با کمی گوشت همراه است.

کِنَت /keṅt/: یک یا دو خار پایین شکم برخی از ماهیان.

کُتَتک /koṅtak/: خار‌ماهی.

کوچگ /kōčeg/: پولک، فلس.

گُجِی /gojji/: معده‌ماهی.

گَلّ /gall/: آبشش و گلوی‌ماهی.

گوش /gōš/: باله.

لاپ /lāp/: شکم.

لاپ‌گوشت /lāp-gōšt/: گوشتی که درون شکم میش‌ماهی وجود دارد و آن را پس از درآوردن کیسه‌شنا برمی‌دارند.

میدگُش /mēd-koš/: استخوانی شبیه به قلاب که در پشت سر میش‌ماهی قرار دارد.

میری /miri/: گوشت پشت‌ماهی که چسبیده به باله‌های بالایی است.

نیام‌هدّ /nyām-hadd/: استخوان وسط بدن ماهی، ستون فقرات.
هیک /hayk/: تخم ماهی.

۹. انواع و اجزای قُلاب

چیردان /čirdān/: نخ قُلاب ماهیگیری.

ردّه /redda/: قلابی که دُمش حلقه‌ای و سوراخ نیست.

کُندی /koṇḍi/: ← کُندیگ.

کُندیگ /koṇḍig/: قُلاب ماهیگیری.

کُندیگِ دُمب /koṇḍig-e domb/: دُم قُلاب، جایی که نخ را بر آن گره می‌زنند.

کُندیگِ ریشگ /koṇḍig-e rišag/: ریشه قُلاب، یعنی نوک تیز قُلاب که کمی خمیده است.

کُندیگ کول‌دُمب /koṇḍig kōl-domb/: قُلابی که دُمش پهن است ولی حلقه نیست.

کُندیگ‌گردُمب /koṇḍig gerd-domb/: قلابی که دُمش حلقه‌شکل است.

۱۰. طعمه و انواع آن

طعمه مورد استفاده برای صید ماهی می‌تواند از انواع مواد خوراکی باشد، اما طعمه‌های اصلی را ماهیان کوچک و برخی از آبزیان تشکیل می‌دهند.

بلاچو /balāčaw/: تکه‌های ریز ماهی که به‌جای طعمه به قُلاب می‌بندند.

بیچم /bičam/: ماهی کوچکی شبیه به ساردین.

پَدَنی /paḍḍani/: ماهی کوچک سفیدرنگی شبیه به کنگاری، ولی با اندازه‌ای بزرگ‌تر.

پَلّه /pala/: ماهی کوچکی شبیه به ساردین ولی کوچک‌تر از آن.

تگس /tagas/: خرچنگ.

جنوزام /janōzām/: ماهی کوچک پهنی به اندازه کف دست که باله‌های سیاهی دارد، اما

باله پشتی آن زردرنگ است و همواره تنها می‌گردد.

چراگ /čerāg/: چغوک.

چَمک /čamak/: قطعه‌فلز کوچکی که درخشان است و به‌جای طعمه به قُلاب می‌بندند.

دُرَنزُک /draŋzok/: نوعی ماهی ریز دریایی.

سانا /sānā/: نوعی ماهی ریز.

سیرکو /sirkū/: نوعی ماهی ریز.

سیم /sim/: نوعی گیش است.

کاشا /kāšā/: نوعی ماهی کوچک که به اندازه یک انگشت است.

کلات /kelāt/: نوعی ماهی کوچک که از ساردین بزرگ‌تر و کلفت‌تر است ولی نسبت به آن خار کم‌تری دارد.

کَلّی /kolli/: نوعی خرچنگ.

کندگاری /kaŋd̄gāri/: این ماهی مانند پدنی است، ولی کوچک‌تر از آن و دارای خال سیاهی است. این ماهی را با دست می‌مالند تا له و ریز شود سپس آن را در آب دریا می‌ریزند، ماهیان با احساس بوی آن در آن مکان جمع می‌گردند.

کَنگ /kaŋg/: نوعی ماهی کوچک.

کیچانِ کِرم /kayčān-e kerm/: نوعی کِرم که در ماسه‌های ساحل زندگی می‌کند و طعمه‌ای مناسب برای صید با قلاب، به‌ویژه برای ماهی کیچان است.

گاچَم /gāčam/: نوعی ماهی که آن را شمسک نیز می‌گویند.

گورکش /gōr-kašš/: ماهی پدنی که با آن ماهی گور صید می‌کنند.

گیم /gēm/: طعمه قلاب ماهی.

لُوجَر /lūjjar/: ماهی ساردین.

ماسلُک /māsolok/: ← سیرکو.

مدگ /madag/: میگو.

مُربَه /morba/: ماهی کوچکی با دهانی پهن شبیه به گربه‌ماهی.

مَس /mas/: ماهی مرکب که طعمه‌ای مناسب برای قلاب است.

مَثو /ma?ū/: ← مَس.

۱۱. انواع ماهی

آبرو /ābraw/: وال.

آرنگه‌ای گَلو /āreᅅga-i gallū/: گونه‌ای از خانواده گربه‌ماهی، گربه‌ماهی خاکی.

آسی /āsi/: گونه‌ای از گربه‌ماهی، گربه‌ماهی بزرگ.

آم /ām/: ← هام.

آمروسک /āmaᅇrūska/: ← گالیت.

آرمنگرا /armangaᅇrā/: گونه‌ای از کوسه‌ماهی، کوسه وحشی.

آسپ /asp/: از خانواده نیزه‌ماهیان، بادبان‌ماهی.

آشتر /ošter/: از خانواده گیش‌ماهیان.

آگور /agōr/: گونه‌ای هوور.

آلبک /olbok/: بیچه‌زرده.

آلس /olos/: ← هُلَس.

آلور /alōr/: ← آلهور.

الوندی /alwandi/: کوسه‌ماهی سفید درنده.

آلهور /alhūr/: گونه‌ای منقارماهی.

آهور /ahūr/: ← آگور.

بارکالی /bārkalī/: نوعی کوسه.

بارکش /bārkašš/: از خانواده زمین‌کن‌ماهیان که دو نوع است: (۱) زمین‌کن خال‌باله؛ (۲)

زمین‌کن دُم‌نواری.

بارگاهی /bārgāhi/: گونه‌ای گربه‌ماهی.

بارن /bāren/: ← بَهرن.

بانزلی /bānzoli/: ← سیاه‌پتر.

بانور /bānōr/: از خانواده شانک‌ماهیان، شانکِ دونواری.

بُتر /bottor/: گونه‌ای کوسه‌ماهی، کوسه سرچکشی. به این کوسه، کانتی‌پشک و میش هم

می‌گویند.

بِچَن /beččen/: نوعی کوسه‌ماهی که ماهی‌های صیدشده در درون تور را می‌خورد. نام دیگر این کوسه کهناتی است.

بَدّی /baḍḍi/: از خانواده شوریده‌ماهیان، شبیه‌شوریده چشم‌درشت.

برگ /barrag/: نوعی ماهی کولگر.

بکُو /bakkū/: از خانواده گیش‌ماهیان که دو نوع است: (۱) گیش میگوی؛ (۲) گیش باله‌سیاه.

بَلندو /bolaṇdū/: اره‌ماهی. این ماهی زائده‌ای استخوانی و دنداندار به‌شکل شمشیر بر سر دارد که طول این زائده حدود یک متر است. ماهیگیران مکران این ماهی را نوعی کوسه می‌دانند.

بَمبِل /bambol/: نوعی کوسه است.

بَندیور /bandiwar/: ← داردُمب.

بندیول /bandiwal/: ← داردُمب.

بوَتَن /būten/: از خانواده سپرماهیان، سپرماهی برقی ایرانی.

بها /behā/: ← مینگ.

بَهرَن /bahren/: نوعی وال به گفته برخی از صیادان، عنبرماهی است.

بیچَم /bičam/: نوعی ساردین، ساردین پهلوطلایی.

بیسَالُو /bissālaw/: از خانواده راشگوماهیان، راشگوی شش‌خط. گونه بزرگ این ماهی را گوانز می‌گویند.

پاگاس /pāgās/: کوسه، به‌ویژه کوسه ببری.

پالوار /pālwar/: از خانواده شگ‌ماهیان با دو گونه (۱) گواف رشته‌دار؛ (۲) ماهی صُبور.

پَتَر /pattar/: از خانواده گیش‌ماهیان.

پَتَرآلاری /pattar-ālāri/: از خانواده گیش‌ماهیان، گیش بال‌افشان.

پَتَرچوتالی /pattar-čōṭāli/: از خانواده گیش‌ماهیان با دو نوع (۱) گیش شکم‌شیاری؛ (۲) گیش درازباله.

پترسورو /pattar-sowrū/: از خانواده گیش ماهیان با دو گونه (۱) گیش درخشان؛ (۲) گیش
خال سفید.

پترسیه‌بج /pattar syah-baj/: از خانواده گیش ماهیان.

پتن /petten/: از خانواده پوماهیان، سفره‌ماهی.

پتن دولنت /petten do-loŋt/: از خانواده سپرماهیان دوپوزه، سپرماهی دوپوزه.

پتن گل پانچ /petten-golpāŋč/: از خانواده پوماهیان.

پتن گوک‌دُمب /petten gōk-domb/: از خانواده پوماهیان.

پتن مُرگ‌گُتگی /petten-morgok koŋtagi/: از خانواده رامک‌ماهیان، رامک خالدار.

پتن مُرگ‌گُک بی‌گُتگی /petten-morgok bēkoŋtag/: از خانواده رامک‌ماهیان با دو گونه (۱) رامک

مخبط؛ (۲) رامک خط‌کمانی.

پدنی /paḍḍani/: از خانواده موتوماهیان؛ لچه‌دهان نارنجی.

پراه‌دپ /prāh-dap/: ← شاگوری پتر.

پرو /parū/: نوعی ماهی کفشک.

پری /pari/: از خانواده کوسه‌ماهیان، کوسه دُم‌دراز.

پشک‌تُرک /peššek-tork/: ← گوسو.

پشمپ /pašamp/: از خانواده خاروماهیان، ماهی خارو.

پشنت /pašaŋt/: ← پشمپ.

پُگل /pogol/: چند نوع است: (۱) ← تورا؛ (۲) از خانواده عقرب‌ماهیان، سنگ‌ماهی

خال‌سیاه؛ (۳) کلیه خانواده بادکنک‌ماهیان، بادکنک‌ماهی.

پَلو /pallū/: ← پالوار.

پَمپگا /pampagā/: از خانواده طوطی‌ماهیان که چند نوع است، طوطی‌ماهی یشمی؛

طوطی‌ماهی زردپولک؛ طوطی‌ماهی ایرانی.

پیتو /pittō/: حلوای سفید.

تاتار /tāṭār/: ← تانتار.

تاگان /tāgān/: نوعی ماهی کوچک شبیه به مُربه.

- تاننار /tān̄tār/: از خانواده سنگسرماهیان، سنگسر چهارلکه.
- تپچ /tepč/: ماهی‌ای پولک‌دار و سفید که خال سیاهی بر سر دارد و در آب‌های کم‌عمق زندگی می‌کند، این ماهی کمیاب است و به ندرت صید می‌شود.
- تَرَتکو /tartakū/: (۱) نوعی ماهی کوچک سفیدرنگ؛ (۲) ← گزی کباه.
- تَرگوچ /tergwaj/: از خانواده زروک‌ماهیان، ماهی زروک. به این ماهی هر هم می‌گویند.
- تک‌تکو پتن /tektekkō-petten/: از خانواده پوماهیان، پو پلنگی.
- تکی شنگ /tekki-šong/: عروس ماهی منقوط.
- تگلم /tagelm/: از خانواده گیش‌ماهیان، حلوی سیاه.
- تَمباتور /tambātūr/: ← تورا.
- تَمبران تیری /tambarāgtiri/: ← تمبرگ.
- تَمبیرگ /tambirag/: بادکنک‌ماهی زیتونی.
- تورا /tūrā/: از خانواده خارپشت‌ماهیان، خارپشت‌ماهی لب‌منقاری.
- تولگ /tōlag/: از خانواده هامورماهیان، هامور خال‌نارنجی.
- تونت /tūnt/: (۱) از خانواده شوریده‌ماهیان، مُشکوی لکه‌دار؛ (۲) از خانواده عقرب‌ماهیان، گزنده‌ماهی؛ (۳) از خانواده هامورماهیان، هامور لکه‌زیتونی منقوط.
- تیبی‌سپی /tayābi-sāpi/: از خانواده صافی‌ماهیان، صافی قهوه‌ای.
- تیتک /titak/: نوعی ماهی رنگارنگ، طوطی‌ماهی.
- تینگ /tēng/: ماهی سیاه‌رنگی که بیشتر در ساحل با قلاب صید می‌شود و ده تا بیست سانتی‌متر طول دارد.
- جتی‌پگ /jattipog/: از خانواده کفشک‌ماهیان، ماهی کفشک پُرلکه.
- جروویگ /jerrowig/: از خانواده کوسه‌ماهیان درنده، کوسه نوک‌تیز.
- جری /jafi/: پرنده‌ماهی پولک‌درشت.
- جولام /jōlām/: نوعی ماهی سفیدرنگ، با جثه بزرگ و شبیه گِشِران.
- جَهراز /jahrāz/: از خانواده شانک‌ماهیان، صُبیتی.

چانچو /čāŋčū/: از خانواده هامورماهیان با دو گونه (۱) هامور پَنج‌نواری؛ (۲) هامور
خط‌شکسته.

چتره /čatra/: از خانواده پوماهیان، نوعی سفره‌ماهی.

چراگ /čerāg/: خانواده چغوک‌ماهی که چند نوع است: (۱) چغوک رشته‌دار؛ (۲) چغوک
پُشت‌طلایی؛ (۳) چغوک شفاف.

چرپان /čarpān/: ← لوتاری.

چگگ /čagog/: از خانواده گیش‌ماهیان، گیش دهان‌سفید.

چمی‌چراگ /čammi-čerāg/: از خانواده ماه‌ماهیان، ماه‌ماهی.

چندی /čeŋdi/: از خانواده یال‌اسبی‌ماهیان، یال‌اسبی سربزرگ.

چِلا /čēlā/: از خانواده گیش‌ماهیان، گیش دروغین.

چیلانکر /čēlāŋker/: ← چِلا.

داردُمب /dārdomb/: از خانواده گیش‌ماهیان، کتو.

داند /dāŋd/: از خانواده شانک‌ماهیان، کوپَر.

دانگرا /dāŋgarā/: از خانواده سه‌دُم‌ماهیان، سه‌دُم‌ماهی.

دراج‌دُمب /drājdomb/: ← پَری.

دِکّی‌زرد /dēkki-zard/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی زردخال سیاه.

دِکّی‌شُنگ /dēkki-šoŋg/: از خانواده عروس‌ماهیان عروس‌ماهی منقوط.

دُلدُل /doldol/: از خانواده تَک‌خارماهیان، تَک‌شاخ‌ماهی مشبک.

دوئنت /do-loŋt/: ← پَتَن‌دوئنت.

دیول /diwal/: از خانواده سنگسرماهیان، خنّوی لیمویی.

راژگو /rāžgū/: ← راشکو.

راشکو /rāškū/: ← گوانز.

رنجی /ranji/: نوعی گربه‌ماهی، گربه‌ماهی بزرگ.

روپ /rōp/: از خانواده شبه‌سوس، شبه‌سوس خال‌دار.

زرد /zard/: از خانواده سرخوماهیان با چهارگونه (۱) سرخوی معمولی؛ (۲) سرخوی چشم‌درشت؛ (۳) سرخوی پنج‌خط؛ (۴) سرخوی هشت‌خط.
زرددُمب /zard-domb/: (۱) از خانواده گیش‌ماهیان، پرو دُم‌سیاه؛ (۲) از خانواده کوترماهیان، کوتر دهان‌زرد.

زرسُهرُو /zersohrū/: ← هیرو.

زری‌سَپی /zeri-sāpi/: از خانواده صافی‌ماهیان، صافی موجدار.

زری‌لوتاری /zeri-lōtāri/: از خانواده هامورماهیان، هامور خاکی.

زنگی‌سر /zangisar/: از خانواده لب‌لوله‌ماهیان، لب‌لوله‌ماهی قهوه‌ای.

زید /zēd/: کوسه‌ای کوچک با بدنی قوی و نیرومند که پُشتش مایل به خاکستری و شکمش مایل به سفید است و لکه‌ای سیاه بر بالهٔ دوم آن قرار دارد.

زیهد /zēhed/: از خانواده کوسه‌ماهیان، کوسهٔ قلاب‌دندان.

سَپی /sāpi/: به چند نوع ماهی از خانواده‌های مختلف می‌گویند: (۱) جراح‌ماهی قهوه‌ای؛ (۲) چرم‌بله برنزی.

سارم /sarom/ /sārom/: سارم، ماهی سلیمانی.

سانگ /sāng/: از خانواده مارماهیان دریایی، مارماهی تیزدندان.

سید /sedd/: ← کولگری.

سکن /sakan/: از خانواده شوریده‌ماهیان، مُشکوی سیاه.

سلیمانی /solaymāni/: ← سارم.

سنگلو /saṅgalō/: از خانواده سوکلاماهیان، سوکلا.

سواس /sawās/: (۱) از خانواده زبان‌گاوماهیان، زبان‌گاو چهارخط؛ (۲) از خانواده

کفشک‌ماهیان راست‌رُخ، کفشک‌گرد؛ (۳) از خانواده کفشک‌ماهیان راست‌رُخ،

کفشک‌ریز؛ (۴) از خانواده کفشک‌ماهیان راست‌رُخ، کفشک‌گورخری.

سواسو /sawāsū/: از خانواده زبان‌گاوماهیان، زبان‌گاو درشت‌پولک.

سوس /sūs/: از خانواده سوس‌ماهیان، سوس کوچک.

سولی /sūli/: نوعی میش‌ماهی.

- سوموتا /somōtā/: (۱) از خانواده شگ‌ماهیان، ساردین رنگین‌کمان؛ (۲) از خانواده موتوماهیان، موتوی هندی؛ (۳) از خانواده تون‌ماهیان، نوعی ماهی قباد.
- سونام /sōnām/: از خانواده گیش‌ماهیان، پرستوماهی هندی.
- سُهر /sohr/: از خانواده سرخوماهیان.
- سُهرتوسک سُنْت /sohr-tūsk-soṅt/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی مخطط زرد.
- سُهر و /sohrū/: ← سُهر.
- سُهرین پَتَن /sohrēṅ-peṭṭen/: از خانواده پوماهیان، پوی چهارگوش.
- سُهرین پَمِیگا /sohrēṅ-pampagā/: از خانواده طوطی‌ماهیان، طوطی ماهی یشمی.
- سیاه پَتَر /syāh-pattar/: از خانواده گیش‌ماهیان، گیش بال‌افشان.
- سیاه گوش /syāh-gōš/: نوعی گربه‌ماهی.
- سیاه گوش پِشک /syāh-gōš-peššek/: از خانواده کوسه‌ماهیان، کوسه باله‌سیاه.
- سیاهین نامبو /syāhēṅ-nāmbū/: از خانواده هامورماهیان، هامور منقوط قهوه‌ای.
- سیاهین هِنُو /syāhēṅ-hennū/: از خانواده سنگسرماهیان، خنوی گوش قرمز.
- سیم /sim/: از خانواده گیش‌ماهیان با دو گونه (۱) گیش چشم‌درشت؛ (۲) گیش زردخط.
- سینُو /sinnaw/: از خانواده گیش‌ماهیان، سارم دهان‌بزرگ.
- شاگوری پَتَر /šāgōri-pattar/: از خانواده گیش‌ماهیان.
- شالگور /šālgwar/: ← گُرک.
- شالو /šālū/: از خانواده سنگسرماهیان، سنگسر شش‌خط.
- شگراب /šagrāb/: ← مینگ.
- شگشک /šegešk/: ← ناڈر.
- شُنگ /šong/: (۱) از خانواده شینگ‌ماهیان، شینگ‌ماهی؛ (۲) از خانواده عروس‌ماهیان، عروس‌ماهی نواری.
- شور /šūrr/: از خانواده شورت‌ماهیان، شورت.
- شوکیاتی‌زرد /šawkeyāti-zard/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی بنگالی.
- شیرماهیگ /šir-māhig/: از خانواده کیجارماهیان، کیجار بزرگ.

- شیرو /sirū/: از خانواده کیجارماهیان، کیجار منقوط.
شی‌زادگ /šayzādag/: ← سیاه‌گوش.
کابلوشک /kābalōšk/: (۱) از خانواده سنگسرماهیان، سنگسر مخطط؛ (۲) از خانواده یلی‌ماهیان، یلی چهارخط.
کاتل /kätel/: از خانواده نیزه‌ماهیان، نیزه‌ماهی سیاه.
کارنج /kārenj/: نوعی سفره‌ماهی بزرگ.
کاشک /kāšok/: ← لوجر.
کانتی‌پشک /kāñti-peššek/: ← بتر.
کانکاور /kāñkāwar/: ← داردمب.
کایگر /kāyeger/: از خانواده تی‌برماهیان، ماهی حوض دریا.
کایگرچک /kāyeger-čok/: از خانواده دهان‌لانه‌ماهیان، با دو گونه دهان‌لانه دونواری و دهان‌لانه خالدار.
کپ /kapp/: از خانواده خورشیدماهیان، خورشیدماهی اقیانوسی.
کتنگو /kotengū/: سنجاب‌ماهی.
کچک /koček/: از خانواده کفشک‌ماهیان تیزدندان، کفشک‌ماهی تیزدندان.
کد /kodd/: از خانواده کوترماهیان، کوترماهی که دارای چند نوع است.
کدزرددمب /kodd-zard-domb/: از خانواده کوترماهیان، کوتر دهان‌زرد.
کدسیاهدمب /kodd-syāh-domb/: از خانواده کوترماهیان، کوتر ساده.
کر /ker/: از خانواده شوریده‌ماهیان، میش‌ماهی.
کرانبو /karrānbaw/: دلفین.
کرت /karatt/: از خانواده سنگسرماهیان، خنوی خال‌سیاه.
کرگی /karragi/: نوعی کوسه، شبیه به کوسه باله‌سیاه.
کرت /karañt/: ← بوتن.
کروس /krōs/: به چند نوع ماهی می‌گویند: (۱) پروانه‌ماهی سه‌نواری؛ (۲) از خانواده خفاش‌ماهیان، خفاش‌ماهی؛ (۳) از خانواده فرشته‌ماهیان، هاماد.

- کری کدا /kerikadā/: از خانواده شوریده‌ماهیان، بچه‌میش‌ماهی، میش‌ماهی منقوط.
- کشکی /keški/: از خانواده تون‌ماهیان، هوور مسقطی.
- کگو /kaggū/: نوعی گربه‌ماهی.
- کلگن /kalgon/: از خانواده تون‌ماهیان، ماهی قباد.
- کلگن /kalgon/: از خانواده تون‌ماهیان، ماهی قباد.
- کلو /kalū/: از خانواده مارماهیان دریایی، مارماهی.
- کلوتو /kolōṭū/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی چشم‌درشت.
- کمپو /kompū/: از خانواده سنگسرماهیان، سنگسر معمولی.
- کنن /konn/: نوعی گربه‌ماهی.
- کنتگو /kontegū/: از خانواده سنجاب‌ماهیان، سنجاب‌ماهی.
- کنتگی هر /koṅṭagi-har/: از خانواده سه‌خارماهیان، سه‌خاره‌خال‌طلایی.
- کنچگ /kančag/: از خانواده شگ‌ماهیان، ساردین کوچک.
- کندرو /kondrō/: ← شور.
- کولگر /kōlger/: از خانواده شگ‌ماهیان، گواف کوچک.
- کولگری /kōlgeri/: نوعی کوسه‌ماهی که خوراکش بیشتر کولگر و ساردین است، به این کوسه سید هم می‌گویند.
- کوه‌پروش /kōh-prōš/: ← گدک.
- کهناتی /kahnāti/: ← وروک.
- کیچان /kayčān/: نوعی ماهی با رنگ سیاه و سفید و دهانی کوچک که پشتش دارای دایره‌های سیاه‌رنگ است.
- کیل /kayl/: از خانواده سوس‌ماهیان، سوس بزرگ.
- کینسی /kinssi/: نوعی ماهی کوچک و پهن با اندازه ده تا سی سانتی‌متر که در سواحل صخره‌ای ساکن است و بیشتر با قلاب صید می‌شود.
- گاچم /gāčamm/: چند گونه متفاوت از خانواده شگ‌ماهیان؛ (۱) شمسک بزرگ؛ (۲) شمسک کوچک؛ (۳) ساردین دم‌سیاه.

- گاڈمب /gādomb/: ← گوک ڈمب.
- گالیت /gālēt/: از خانواده گالیت‌ماهیان.
- گڈک /gadok/: از خانواده شِهری‌ماهیان، شِهری دُم‌زرد.
- گدیر /gedir/: از خانواده شِهری‌ماهیان، ماهی شِهری خود چند نوع است: (۱) شِهری گوش قرمز؛ (۲) شِهری دراز‌صورت قهوه‌ای؛ (۳) شِهری معمولی.
- گُرک /gork/: از خانواده یَلّی‌ماهیان، یَلّی خط‌کمانی، یَلّی درشت‌پولک.
- گُرک مَزَن کوچگ /gork-mazan-kōceg/: یَلّی درشت‌پولک.
- گَزّی زرد /gazzi-zard/: ← گَزّی کباه.
- گَزّی کباه /gazzi-kabāh/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی قهوه‌ای.
- گُل پانچ /golpāñč/: ← پَتَن گُل پانچ.
- گَلَبَت /galbat/: از خانواده گیش‌ماهیان، گیش بزرگ.
- گَلُو /gallū/: از خانواده گربه‌ماهیان، گربه‌ماهی.
- گِل‌وَرُک /gelwarok/: از خانواده نوارماهیان، نوارماهی.
- گَنجی‌پَراک /ganjiperāk/: از خانواده هامورماهیان با دو گونه (۱) هامور سیاه؛ (۲) سَمَن آجری.
- گوانز /gwāñz/: از خانواده راشکوماهیان، راشکو.
- گور /gōr/: از خانواده تون‌ماهیان، شیرماهی.
- گورسیم /gōrsim/: (۱) از خانواده گیش‌ماهیان، گیش گوش‌سیاه؛ (۲) از خانواده تون‌ماهیان، طلال.
- گورگی /gwaragi/: نوعی کوسه از نوع باله‌سیاه که گوشت نرمی دارد.
- گوسُو /gūssū/: از خانواده کوسه‌ماهیان، کوسه چانه‌سفید.
- گیدَر /gēdar/: از خانواده تون‌ماهیان.
- گیشران /gišrān/: از خانواده گیش‌ماهیان، پروی چشم‌درشت.
- لُوبَّ /lobb/: نوعی ماهی که در آب‌های عمیق یا اقیانوس صید می‌شود و ظاهرش شبیه ماهی کُد است.

لرزوک /larzök/: ← بوئن.

لنتی پتر /lonṭi-pattar/: از خانواده گیش ماهیان، گیش طلایی.

لوتاری /lōtāri/: از خانواده هامور ماهیان با سه گونه (۱) هامور معمولی؛ (۲) هامور مالاباری؛ (۳) هامور لکه‌زیتونی منقوط.

لوجر /lūjjar/: از خانواده شگ ماهیان، ساردین روغنی.

لوند /lōŋd/: نوعی ماهی کوچک.

لیجر /lijjar/: ← لوجر.

لیر /liř/: نوعی وال.

لینچک /liŋčok/: از خانواده چسبک ماهیان، چسبک ماهی.

مارماهیگ /mārmāhiḡ/: از خانواده مارماهیان دریایی، مارماهی پوزه‌کند.

مچر /močor/: از خانواده پنجزاری ماهیان با دو گونه (۱) پنجزاری باله‌نارنجی؛ (۲) پنجزاری خال‌پشت.

مراکی /morāki/: از خانواده خامه‌ماهیان، خامه‌ماهی.

مُرَّان /morrān/: ← مُرَّانت.

مُرَّانت /morrāŋṭ/: از خانواده نیم‌منقار ماهیان، نیم‌منقار جهنده.

مُربَه /مُربَو /morba/ morbaw/: ماهی‌ای پولک‌دار و کوچک که در آب‌های کم‌عمق زندگی می‌کند، این ماهی به جای طعمه قلاب به کار می‌رود.

مَزَن‌چَم /mazan-čamm/: از خانواده گیش ماهیان، پروی چشم‌درشت.

مَس /mas/: ماهی مرگب.

مُشک /mošk/: از خانواده گربه‌کوسه ماهیان با سه گونه (۱) گربه‌کوسه عربی؛ (۲) گربه‌کوسه لکه‌دار؛ (۳) از خانواده کوسه ماهیان عمقی، کوسه گورخری.

مُشکو /moškū/: از خانواده شوریده ماهیان، ماهی شوریده.

مُنَدی /moŋdi/: ← مینگ.

میش /mēš/: کوسه بُتر که گونه بالغ آن را میش می‌گویند.

مینگ /miŋḡ/: نوعی ماهی پولک‌دار که به آن شگراب، مُندی و بِها هم می‌گویند.

مئو /maʔū/: ← مَس.

نات /nāt/: ← بارکش.

نادژ /nādozz/: از خانواده شانک‌ماهیان با دو گونه (۱) شانک زردباله؛ (۲) کوپر.

نامبو /nāmbū/: از خانواده هامورماهیان با دو گونه (۱) هامور خال‌نارنجی؛ (۲) هامور مالاباری.

نرمانی /narmāni/: از خانواده کوسه‌ماهیان، کوسه ببری.

وروک /warōk/: نوعی کوسه که باله‌های آن گران‌قیمت است. به این کوسه کهناتی و بچن هم می‌گویند.

هام /hām/: نوعی کوسه‌ماهی بزرگ.

هر /har/: چند نوع ماهی از چند خانواده مختلف: (۱) از خانواده تک‌خارماهیان، تک‌شاخ‌ماهی خاکستری؛ (۲) از خانواده زروک‌ماهیان، زروک؛ (۳) از خانواده سه‌خارماهیان، سه‌خاره خال‌طلایی؛ (۴) از خانواده بادکنک‌ماهیان چهاردندانی، بادکنک‌ماهی صاف؛ (۵) از خانواده سه‌خارماهیان، سه‌خاره پوزه‌کوتاه.

هرآد /harrād/: نوعی کوسه که زرد و دراز و شبیه به ارمنگرا است.

هربد /har-baḏḏ/: از خانواده گیش‌ماهیان، نوعی ماهی گیش که خط‌هایی به صورت عمودی بر بدن دارد.

هرگور /hargōr/: نوعی ماهی شبیه به گور که در آب‌های عمیق زندگی کند.

هَلَبَک /halabok/: از خانواده تون‌ماهیان، بچه‌زرده.

هَلْس /holos/: از خانواده تون‌ماهیان، زرده.

هَلور /halōr/: ← الور.

هِنُو /hennū/: از خانواده سنگسرماهیان با دو گونه (۱) خنوی خاکستری؛ (۲) خنوی زردباله.

هیرو /hirū/: از خانواده سرخوماهیان، سرخوی حرا.

منابع و کتابنامه

- اسدی، هدایت و دهقانی پشتروودی، رضا، ۱۳۷۵، *اطلس ماهیان خلیج فارس و دریای عمان*، تهران.
- سایکس، سرپرسی، ۱۳۶۳، *سفرنامه ژنرال سرپرستی سایکس یا ده‌هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران.
- ستاری، مسعود و همکاران، ۱۳۸۳، *ماهی‌شناسی*، ۲ ج، رشت.
- صادقی، سیدناصر، ۱۳۸۰، *ویژگی‌های زیستی و ریخت‌شناسی ماهیان جنوب ایران*، تهران.